



Woman in Culture and Arts

Identifying and Analyzing the Discourses of Modern Education and Training of Women in the Context of the first Pahlavi Modernization (1921-1941)

Seyyed Hassan Hashemi^{1✉} | Shahrazad Shahsani² | Babak Shamshiri³ |
Amin Izadpanah⁴ | Halimeh Enayat⁵

1. Corresponding Author, PhD Student of Philosophy of Education, Shiraz University, Shiraz, Iran.. E-mail: h.hashemi19@hafez.shirazu.ac.ir
2. Assistant professor of Philosophy of Education, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: sshahsani@rose.shirazu.ac.ir
3. Professor in the Department of Foundations Education Psychology, Faculty of Educational and Psychology, Shiraz University Shiraz, Iran. E-mail: bshamshiri@rose.shiraz.ac.ir
4. Assistant Professor of Philosophy of Education, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: aizadpanah@shirazu.ac.ir
5. Professor of Sociology, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: henayat@rose.shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 8 June 2024

Received in revised form: 2 February 2024

Accepted: 13 September 2025

Published online: 2 October 2025

Keywords:

Discourse,
Discourse Analysis, First
Pahlavi Period,
Modernization,
Women's Education.

ABSTRACT

The purpose of this research is to identify and analyze the types of discourses of women's education in the first Pahlavi period using the discourse analysis method of Laclau and Mouffe. The outcome of the analysis of 14 purposefully selected documents was the identification of 39 samples, 35 phrases, and 4 discourses. The discourse of "grammatical modernization" was classified as a discourse of sovereignty, while the discourses of "new motherhood," "existential-legal self-consciousness," and "national transcendence" were classified as discourses of women. The results indicated that the discourse of "prescriptive modernization" connected women's education to the issue of uncovering the veil, thereby putting women's discourses in a position of convergence and in conflict with the traditional mentality. Therefore, in dealing with uncovering the veil and women's educational reforms, the discourse of prescriptive modernization and women's discourses encountered significant opposition from traditional society. In the perspective of the ruling discourse and women's discourses, the discourse of tradition evolved into a discourse of resistance, establishing a hegemony of "the lack of necessity of women's social presence" against the hegemony of "the necessity of women's social presence". The result of this confrontation was the establishment of an angry environment in which women who readily accepted the discovery of hijab and women who adhered to traditional values, which associated their social presence with anonymity and the preservation of their identity, were in opposition. They were aware of their lack of social presence.

Cite this article: Hashemi, S. H., Shahsani, S., Shamshiri, B., Izadpanah, A., & Enayat, H. (2025). Identifying and Analyzing the Discourses of Modern Education and Training of Women in the Context of the first Pahlavi Modernization (1921-1941). *Woman in Culture and Art*, 17(3), 305-324.
DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.377723.2043>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.377723.2043>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

شناسایی و تحلیل گفتمان‌های تعلیم و تربیت نوین زنان در بستر نوسازی پهلوی اول (۱۳۰۰-۱۳۲۰)

سید حسن هاشمی^۱ | شهرزاد شاه‌سنی^۲ | بابک شمشیری^۳ | امین ایزدپناه^۴ | حلیمه عنایت^۵

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: h.hashemi19@hafez.shirazu.ac.ir
۲. استادیار گروه مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: sshahsani@rose.shirazu.ac.ir
۳. استاد تمام گروه مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: bshamshiri@rose.shiraz.ac.ir
۴. استادیار گروه مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: aizadpanah@shirazu.ac.ir
۵. استاد تمام گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: henayat@rose.shirazu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل انواع گفتمان‌های تعلیم و تربیت زنان در دوره پهلوی اول با رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موف است. از این‌رو با بررسی ۱۴ سند که به شیوه هدفمند انتخاب شده بودند، ۳۹ مصداق، ۳۵ خرده‌گفتار و ۴ گفتمان شناسایی شدند که گفتمان «نوسازی دستوری» متعلق به گفتمان حاکمیت و گفتمان «مادری جدید»، «خودآگاهی وجودی-حقوقی» و «تعالی ملی» متعلق به گفتمان زنان بوده است. تحلیل این گفتمان‌ها نشان داد گفتمان «نوسازی دستوری» تحصیلات زنان را به مسئله کشف حجاب گره زده و از این طریق، گفتمان‌های زنان را در موضع همگرایی و در تضاد با ذهنیت سنتی قرار داده است. تمرکز اصلی گفتمان حاکم، تغییر و تحول در وضع زنان بر حجاب آنان بود؛ بنابراین در مقوله اصلاحات آموزشی، از آنجا که تأکید بر بی‌حجابی زنان بود، گفتمان نوسازی دستوری و گفتمان‌های زنان با مخالفت شدید جامعه سنتی روبه‌رو شد. گفتمان سنت به گفتمان مقاومت بدل شد و هژمون «عدم ضرورت حضور اجتماعی زنان» را در مقابل هژمون «ضرورت حضور اجتماعی زنان» مدنظر گفتمان حاکم و گفتمان‌های زنان ایجاد کرد. نتیجه این تقابل، ایجاد فضایی قهرآلود بود. در یک سو زنانی قرار گرفتند که با رغبت یا از سر ناچاری تن به کشف حجاب دادند و در سوی دیگر زنان معتقد و پایبند به ارزش‌های سنتی قرار داشتند که حضور اجتماعی خود را مترادف با بی‌هویتی و حفظ هویت خود را ملازم با عدم حضور اجتماعی می‌دانستند.
کلیدواژه‌ها:	
تحلیل گفتمان، تعلیم و تربیت	
زنان، دوره پهلوی اول، گفتمان، نوسازی.	

استناد: هاشمی، سید حسن، شاه‌سنی، شهرزاد، شمشیری، بابک، ایزدپناه، امین، و عنایت، حلیمه (۱۴۰۴). شناسایی و تحلیل گفتمان‌های تعلیم و تربیت نوین زنان در بستر نوسازی پهلوی اول (۱۳۰۰-۱۳۲۰). زن در فرهنگ و هنر، ۱۷ (۳)، ۳۰۵-۳۲۴.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.377723.2043>DOI: <http://doi.org/10.22059/JWICA.2025.377723.2043>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

آسیب‌های اجتماعی-سیاسی ناشی از تجربه دموکراسی انقلاب مشروطیت، به قدرت‌یابی رضاخان منجر شد. تغییرات ساختاری حاصل از انقلاب مشروطیت، نظم اجتماعی سنتی عصر قاجار را که جامعه به نظام ارزشی آن معتقد بود سست کرد و موجبات گسست اجتماعی و تقابل عادات سنتی با شیوه‌های مدرن، آن هم بدون درک زمینه‌های لازم عینی و ذهنی را در سطح جامعه فراهم ساخت که پیامدی جز نابسامانی، رشد تمایلات گریز از مرکز و قانون‌گریزی نداشت. به‌واقع مشروطیت تغییرات ساختار سیاسی را بر ضد خود به همراه داشت؛ یعنی تغییرات آن‌گونه که باید نتوانست به عینیت‌یابی اهداف و ایده‌های مشروطه‌گرایان منجر شود؛ چرا که زمینه تاریخی، مناسب نهادینگی مشروطه نبود و رضاخان سنتی شد که از دل این دوره بی‌ثبات سیاسی-اجتماعی بیرون آمد. او برای ساخت نهادهای سیاسی-اجتماعی، پروژه نوسازی را که یک ایده واردشده از غرب و برآمده از تحولات فکری مشروطیت بود (Keshavarznia, 2015) در پیش گرفت. درمورد زنان به شکلی بنیادی، با واپس‌زنی سنت‌های مذهبی، فضای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد و سبب تغییر در حیات عمومی زن ایرانی شد. «تغییری که متأثر از سیاست‌گذاری‌های کلان جهت کسب سوادآموزی، ارتقای فرهنگی و تجددگرایی با هدف جامعه‌پذیری زنان» (Aindehmagazine, No. 1, 1927: 8) رخ داد؛ بنابراین آموزش‌های جدید تحت نظر نظارت‌های دولتی قرار گرفت و برای کاستن از موانع پیش‌روی زنان، این اندیشه القا شد که «اصلاح جامعه و تأمین مصالح عمومی منوط و موقوف به تربیت زنان و تعلیم مادران است؛ زیرا تا مادران تحصیل کرده نباشند، سعادت انسان‌ها غیرممکن به‌نظر می‌رسد» (Ibid). در نتیجه این القا و با الهام از «نیازهای اجتناب‌ناپذیر اجتماعی نظام حاکم در ایجاد شکل‌های نوینی از آگاهی مدنی» (Stephanie, 2004: 221-222)، زن از هویت بازیگر اصلی در سیاست‌های پهلوی اول مورد توجه قرار گرفت؛ هویتی که او را از اجبارهای تحمیل‌شده هنجارهای سنتی رها و فرصت کنش‌های اجتماعی را به او می‌داد (Avary, 2009: 7-37). از این‌رو زنان تحصیل‌کرده در جامعه جدید، فرصت آن را پیدا کرده‌اند که در طیف گسترده‌ای از امور اجتماعی بخت‌آزمایی کنند. از آنجا که آنان باید بیشتر از مردان جایگاه سنتی و قبلی خود را در مناسبات اجتماعی از دست می‌دادند و دوران جدید را تجربه می‌کردند، توسعه و آگاهی آموزشی را عامل مهمی برای حضور اجتماعی خود می‌دانستند. از این جهت همسو با برنامه نوسازی پهلوی اول که دارای جهت‌گیری برابری جنسیتی بود، در مناسبات اجتماعی، با وجود واکنش‌های ایدئولوژی محور ذهنیت سنتی حاکم بر جامعه که تلاش می‌کردند زنان همچنان در حاشیه تحولات اجتماعی نگه داشته شوند، خود را از حاشیه به درون تحولات کشاندند و گفتمان‌های زنانه را از نگاه یک زن شکل دادند.

مقاله حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که «در دوره پهلوی اول، چه گفتمان‌هایی در حوزه تعلیم و تربیت زنان، با قابلیت شناسایی و تحلیل وجود دارند».

۲. پیشینه پژوهش

در باب گفتمان‌های تعلیم و تربیت زنان، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. بیشتر پژوهش‌ها حول موضوع رشد و توسعه آموزش زنان است؛ چنان‌که حسینی (۱۴۰۰) در مقاله «مادری جدید و آموزش زنان در عصر رضاشاه» نشان داد ایده مادری جدید در این دوره، آموزش دولتی زنان را به صورت کمی گسترش داده است. جهان‌زاد (۱۴۰۰) در پایان‌نامه «تعلیم و آموزش زنان در دوره صفویه، دوره قاجار و پهلوی اول، به استناد نشریات» با تبیین جریان‌های روشنفکری اذعان کرد که مطالبات زنان در حوزه‌های جدید تعلیم و تربیت در نشریات این دوران، بازتاب گسترده‌ای داشته است. صفرمحمدی گرفمی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش زنان در تعلیم و تربیت از مشروطه تا پایان پهلوی اول (با رویکرد به گیلان)»، شکل‌گیری آموزش نوین برای زنان و خروج از بن‌بست‌های تأسیس مدارس دخترانه را مدیون تلاش‌های اولین بانیان مراکز نوین آموزشی دانست. میرساردو (۲۰۱۳) در مقاله «تحلیل جایگاه آموزش زنان در ایران در صد سال گذشته؛ یک رویکرد میان‌رشته‌ای»، اذعان کرد هرچند در این دوره تغییر نگرش سنتی به تفکیک جنسیتی در تشویق به تحصیل و حضور در اجتماع بود، ساختار اجتماعی سنتی همچنان زنان را در خانه و در خدمت شوهر و فرزندان نگه داشته بود. ترابی فارسانی (۱۳۸۷) در مقاله «روند آموزش زنان از آغاز نوگرایی تا پایان عصر رضاشاه»، ناامنی اجتماعی، پایین بودن سطح فرهنگ اجتماعی و تفکر مردانه حاکم را که ترس از به هم ریختن نظم موجود داشت، از علل کند پیش‌رفتن آموزش‌های نوین زنان دانسته است. خاکی و بهات (۲۰۱۵) در مقاله «پیشگامان تعلیم و تربیت پهلوی در ایران: بررسی رضاشاه»، مطرح کردند که رضاشاه با هدف سکولاریزه کردن نظام آموزشی اقدام به دولتی کردن مدارس با حذف مکتب‌خانه‌های سنتی کرد، مدارس را که توسط اقلیت‌های مذهبی اداره می‌شد تحت کنترل دولت درآورد و فرصت‌های تحصیل و اشتغال را برای زنان فراهم ساخت.

۳. روش تحقیق

به لحاظ روش، این پژوهش در دو گام صورت‌بندی شده است.

گام اول، کشف و شناسایی گفتمان‌ها: با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، بخش‌هایی از متن ۱۴ سند به شکل هدفمند به عنوان مصادیق انتخاب، از مصادیق خرده‌گفتارها (مضمون‌سازی) و گروهی از خرده‌گفتارها تحت یک گفتمان، مفهوم‌سازی شدند.

گام دوم، تحلیل گفتمان‌ها: بنا به این نظر که به‌زعم آنان می‌توان «مجموعه‌ای از گزاره‌ها را که چارچوب‌های تاریخی و زمینه‌محور دارند، برای تحلیل صورت‌بندی گفتمانی در نظر گرفت» و بر مبنای آن هر عمل و پدیده را درون یک نظام گفتمانی، معنادار و قابل فهم کرد (Torfin, 1999: 12)، روش لاکلا و موف (۲۰۱۴) به منظور تحلیل گفتمان‌ها مناسب تشخیص داده شده است. مطابق این روش، گفتمان‌های شناسایی شده طی چهار مرحله تحلیل شدند (شکل ۱).



شکل ۱. مدل تبیینی گفتمان

الف) توصیف نظام معنایی گفتمان: اینکه هر گفتمان، چه مجموعه‌ای از دال‌ها (دال مرکزی و دال‌های شناور) را به منظور نشان دادن کاستی‌های گفتمان مخالف و نقاط قوت خود طرح و مفصل‌بندی می‌کند (Moghadami, 2018: 107).

ب) بررسی نظریه اجتماع گفتمانی: اینکه چگونه گفتمان‌ها به واقعیت معنی می‌بخشند و جهان اجتماعی در نتیجه این معنا (فضای تخاصم و غیریت‌سازی میان گفتمان‌ها) چگونه شکل یافته، بر ساخته شده و تغییر پیدا کرده، هدف این مرحله است (Sultani, 2016: 161).

پ) بررسی منازعات معنایی و دستیابی به تحولات اجتماعی: اینکه چگونه گفتمان‌ها (دال مرکزی و دال‌های شناور) توانسته‌اند به تحولات اجتماعی-سیاسی در درون یک نظام اجتماعی دست یابند.

ت) کشف ارتباط متن، معنا و کردارهای اجتماعی در طرد، برجسته‌سازی و غیریت‌سازی یک گفتمان: اینکه گفتمان‌ها با کردارهای زبانی (متن مطبوعاتی، مقاله و...) و غیرزبانی (تحریم‌ها، رأی‌دادن و رأی‌ندادن‌ها، جنبش‌های خیابانی و...)، چگونه به برجسته‌کردن «خود» و به‌حاشیه‌راندن یا حذف «دیگری» می‌پردازند (Moghadami, 2018: 132-133).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. گام اول، کشف و شناسایی گفتمان‌ها

الف) گفتمان حاکمیت/نوسازی دستوری: نوسازی دستوری از مواضع گفتمانی حاکمیت پهلوی اول بوده است. این شکل از گفتمان موافق حضور زنان در جامعه بود و محصوربودن زنان به فضای خانه را خلاف جریان نوسازی می‌دانست. جدول ۲ از مضامین استخراج‌شده برای گفتمان نوسازی دستوری است.

جدول ۲. ابعاد گفتمانی و مضامین گفتمان نوسازی دستوری

گفتمان (مفهوم‌سازی)	خرده‌گفتارها (مضمون‌سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
گفتمان حاکمیت -نوسازی دستوری (پدرسالاری نوین)	دولت ملی مدرن	زنان در چارچوب دولت ملی مدرن، بخشی از «ارتش بزرگ ملت ایران» هستند (Sadeghi, 2005: 45).
	غیرعقلانی‌بودن قبح حضور در اجتماع	«قباحت حضور زن در جامعه پآوری منسوخ و امری غیرعقلانی است» (Sakma, document 240/53208).
	تأکید بر حیات عمومی	«حیات عمومی زنان ایرانی از طریق الگوبرداری از وضعیت زنان در جوامع غربی امکان‌پذیر است» (Ayandeh Magazine, No. 1, 1927: 8).
	آموزشی زن به مدل غربی	«با نگرش غربی می‌توان الگوهای سنتی را کنار زد و از طریق آگاهی‌بخشی و آموزش زنان، زمینه ورود آنان به اجتماع را فراهم کرد» (Alam Neswan, No. 1, 1926: 1).
	آگاهی‌بخشی و تغییر در شیوه زندگی	
	تأمین مصالح عمومی	«تأمین مصالح عمومی منوط و موقوف به تربیت و تعلیم مادران است؛ زیرا تا مادران تحصیل‌کرده نباشند، سعادت و نجات جامعه غیرممکن است» (Alam Neswan, No. 1, 1926: 1).

گفتمان (مفهوم‌سازی)	خرده‌گفتارها (مضمون‌سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
گفتمان حاکمیت -نوسازی دستوری (پدرسالاری نوین)	خانواده جدید	«شکل‌گیری خانواده جدید نیازمند زن روشن‌اندیش است. مردی که خود محصول آموزش و تربیت غربی است، برای زندگی مشترک به زنی نیاز دارد که به زبان جدید درس خوانده باشد و با آداب غربی معاشرت کند. زن جدید باید نشان دهد نقیض هر چیزی است که در جامعه سنتی نماد عقب‌ماندگی به حساب می‌آید» (Ettelaat Newspaper, No. 3465, 1938: 1).
	معاشرت به سبک غربی	
	پرهیز از جامعه سنتی	
	آشنایی با مسئولیت‌های اجتماعی	زنان باید با مسئولیت‌های اجتماعی آشنا شوند که دیگر «ضرب‌المثل ناتوانی» نباشند (Ettelaat Newspaper, No. 3465, 1938: 1).
	تکامل دختران ایرانی	توجه به آموزش و حضور اجتماعی زنان فقط از این جهت است که آن‌ها بتوانند نقش خود را در امر ازدواج، خانه‌داری و بچه‌داری بهتر انجام دهند (Nikkhah, 2005: 131).
	تخصص‌پروری به جهت فرزندپروری-	زنان باید در امور خانه‌داری و بچه‌داری با رعایت مصالح خانواده متخصص شوند و برای تشکیل خانواده‌های جدید و اداره کارهای مختلف کشور، فرزندان صالح تربیت کنند (Ettelaat Newspaper, 1937, No. 4212, 1937: 13).

ب) گفتمان‌های تعلیم و تربیت زنان: این گفتمان‌ها در موضع مقاومت، در کانون نقد ذهنیت سنتی قبح حضور ذهن در اجتماع است. به تعبیری این گفتمان از طریق نکوهش شرایط حاکم بر ذهنیت جامعه که مخالف حضور اجتماعی زنان بودند، با تأکید بر حق آموزش‌های جدید و حضور در عرصه‌های اجتماعی-فرهنگی، به مرزبندی گفتمانی ایدئال‌های خود تعیین می‌دهند. گفتمان مادری جدید (جدول ۳)، گفتمان خودآگاهی وجودی-حقوقی (جدول ۴) و گفتمان تعالی ملی (جدول ۵) از گفتمان‌های شناسایی شده در این دوره‌اند.

جدول ۳. ابعاد گفتمانی و مضامین گفتمان مادری جدید

گفتمان (مفهوم‌سازی)	خرده‌گفتارها (مضمون‌سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
مادری جدید	نقد تداوم سنت	«نحوه اجتماعی‌شدن زنان در فرهنگ عامل به‌وجود آورنده ناتوانی زنان و... با مردان است؛ چرا که هدف از آموزش و تربیت پسران این بوده است که افرادی بااراده، صاحب‌فکر و دارای حس برتری نسبت به زنان باشند تا در آینده نان‌آور خانه باشند، اما به دختران می‌آموزند که باید مادر، خانه‌دار و حرف‌گوش‌کن باشند» (Ettelaat Newspaper, No. 523, 1928: 2-3).
	نقد فرهنگ کلیشه‌ای مرد نان‌آور و زن خانه‌دار	

گفتمان (مفهوم سازی)	خرده گفتارها (مضمون سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
مادری جدید	تأکید بر زن تربیت شده خانه دار	«زن تربیت شده خانه دار است که ملت باشرف و سرباز جانباز و صنعت گر ماهر تربیت می کند» (Peyk Saadat Neswan, No. 1, 1927: 24).
	لزوم آگاهی از تربیت زنان	«نسوان مملکت به واسطه تضییقات و عناد مردان، به رموز تعلیم و تربیت آگاه نیستند و تا وضع بدین منوال است، انتظار نیک بختی از این جامعه، توقع میوه شیرین از درخت حنظل است» (Nesvan Vatankhah, No. 11, 1926: 27).
	فرزندپروری	«وقتی زن وارد اجتماع شد... فکر و نظر او در پرورش کودک تغییر خواهد کرد. کودک خود را پدیده ای بزرگتر خواهد نگرست و ارزش او را با ارزش فداکاری در راه وطن برابر دانسته، او را شجاع و بالاراده تربیت خواهد کرد» (Ettelaat Newspaper, No. 2710, 1935: 1).

جدول ۴. ابعاد گفتمانی و مضامین گفتمان خودآگاهی وجودی-حقوقی

گفتمان (مفهوم سازی)	خرده گفتارها (مضمون سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
خودآگاهی وجودی-حقوقی	قیاسگری اجتماعی	«مجاهدت و پشتکار زنان انگلیس» موجب شد تا «با مردان از حقوق مساوی برخوردار و در مقدرات مملکت شریک باشند» (Shafaq Sarkh, No. 1176, 1929: 3). روسیه «در فعالیتهای سیاسی اولین وزیر مختار زن در دنیا، اهل این کشور است» (Alam Nesvan, No. 1, 1926: 31-32). در «نیوجرسی دختری نابینا و ناشنوا موفق به اخذ دیپلم شده... این دختر شاید چشم زنان ایرانی باشد» (Alam Nesvan, No. 4, 1927: 158-160). زن آزادی خواه چینی سومی تکنیک اولین قانون گذار در تاریخ چین، مصدر مشاغل مختلف است (Alam Nesvan, No. 3, 1926: 93-98).
	نقد اختلاف قوانین زن و مرد	«اختلاف قوانین زن و مرد ابدأ طبیعی و جلی نیست، بلکه سوء اثر تربیت اولیه است. چرا به چه دلیل؟ برای آنکه مقصود مربی ها، بلندنظری و استقلال رأی را از دخترها سلب و نصیب پسرها ساخته اند» (Ettelaat Newspaper, No. 523, 1928: 2).
	بلندنظری و استقلال رأی	«در مدارس، نسوان بهتر لیاقت و استعداد به خرج می دهند. مع هذا موازنه عدد نفرات دخترانی که به اخذ تصدیق ابتدایی یا متوسطه موفق شده نشان می دهد که دخترها از حیث قوه فکر از مردان عقب نمی مانند» (Ettelaat Newspaper, No. 523, 1928: 2).
توانمندی وجودی (فردی)		

گفتمان (مفهوم‌سازی)	خرده‌گفتارها (مضمون‌سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
خودآگاهی وجودی-حقوقی	نقد فضای حقوقی جامعه	«ایران هیچ‌گونه حقی برای زنان خود قائل نیست؛ اگر اعراب دختران را به یکباره می‌کشند، در ایران رسم بر این است که زنان را به تدریج شکنجه داده، می‌کشند» (Alam Nesvan, No. 7- 8, 1927: 258-260).
	تأکید بر خودآگاهی حقوقی	«خود زنان هیچ‌گونه تلاشی برای شناخت حقوق خود نمی‌کنند و در مقابل هر ظلمی که به آنان می‌شود سکوت می‌کنند» (Alam Nesvan, No. 5, 1921: 29).
	تأمل در نبود حقوق زنان	«محیطی که اجازه هیچ‌گونه آموزش را به زنان نمی‌دهد، به این دلیل است که در این محیط، حقوقی برای زنان وجود ندارد» (Alam Nesvan, No. 5, 1921: 29).
	لزوم آموزش مدرسه‌ای در خودآگاهی زنان	«بهترین راه برای اینکه زنان به حقوق خود آگاه شوند، مدارس هستند. اگر تعداد مدارس به اندازه کافی بود، می‌توانستیم به ترقی زنان امیدوار شویم» (Alam Nesvan, No. 6, 1927: 213-216).
	لزوم تربیت شهروند آینده	«کودکان ملت که شهروندان آینده هستند، در دامن مادر آموزش دیده، شهروندان متمدن‌تر و مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند» (Paidar, 1997: 112-117).
	مشارکت اجتماعی	«اگر تمدن با دادن یک تربیت صحیح و کامل به زن او را از امور خانه‌داری خارج و در اجتماع فعال کند، آن زمان بشر می‌تواند لذت زندگی را پششد» (Iranshahr Magazine, No. 726, 1924: 11-12).
ترقی و آزادی		«زنان میزان ترقی یک ملت هستند... آزادی زنان هم خوشبختی شخصی و هم قوه تازه در حیات اجتماعی تولید می‌کنند و باعث می‌شود تا زنان در فراهم آوردن موجبات تعالی شریک مردها شوند» (Iranshahr Magazine, No. 726, 1924: 370).

جدول ۵. ابعاد گفتمانی و مضامین گفتمان تعالی ملی

گفتمان (مفهوم‌سازی)	خرده‌گفتارها (مضمون‌سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
تعالی ملی	نقد تقابل سنت با پیشرفت	«در یک مملکتی که نسوان نصف جماعت محسوب نمی‌شوند و حتی به قدری آزادی ندارند که دور هم جمع شده، پیرامون تربیت اطفال و... تبادل افکار کنند، دم‌زدن از حقوق آن‌ها خیلی خیلی خطرناک است» (Iranshahr Magazine, No. 9, 1925: 535).

گفتمان (مفهوم سازی)	خرده گفتارها (مضمون سازی)	مصادیق (کردارهای زبانی)
تعالی ملی	نقد شرایط موجود زنان	«زن در ایران، از ادوات منزل است. نه دارای شخصیت و حریت و نه صاحب منزلت و حیثیت. از اوضاع جهان جز آنچه در چهار دیوار خانه اش می گذرد اطلاعی ندارد و همدمی و جلیسی جز پیرزنان پیدا نمی کنند. دماغشان تهی است مگر از خرافات...» (Iranshahr Magazine, No. 6, 1925: 369).
	تأکید بر تساوی آموزش علوم	باید به ترویج معارف، به نسبت مساوی زن و مرد پرداخت تا که پرده سیاهی برداشته شود و زنان ایرانی ترقی کنند (Iranshahr Magazine, No. 11, 1924: 686-687).
	تأکید بر علم آموزی	«نواقص زنان ایرانی همان بی علمی است. ضرورتاً بایستی در مدارس امروزی تربیت شوند» (Iranshahr Magazine, No. 11, 1924: 698-699).
	تربیت ضامن نیک بختی	«تربیت زن بهترین ضامن نیکبختی بشر و نخستین وظیفه هر هیئت اجتماعی است» (Iranshahr Magazine, No. 11, 1924: 730).
	عاملیت اجتماعی مردان	«ملت دست پرورده مادر است. زن قوی ترین عامل اجتماعی است... جامعه باید به تعلیم و تربیت این طایفه پردازد؛ چرا که زنان بنیان اجتماع و رکن رکن تمدن اند» (Iranshahr Magazine, No. 6, 1924: 369).
	تعالی و سعادت جامعه	«آغوش مادران بهترین ضامن تعالی و سعادت ملت است. خوشبختی هر جامعه بسته به درجه تربیت زنان آن جامعه است» (Iranshahr Magazine, No. 9, 1924: 527).

۴-۲. گام دوم، تحلیل گفتمان

۴-۲-۱. فرایند ظهور گفتمان های دوره پهلوی اول

ظهور گفتمان های زن ایرانی در دوره پهلوی اول، متأثر از اصلاحات فرهنگی بود که هویت جمعی را نوید می داد. اصلاحاتی که محصول نظریات ناسیونالیستی عناصر روشنفکرانی مانند علی اکبر داور، نصرت الدوله فیروز، علی اصغر حکمت و... بود که رضاشاه تحت تأثیر آنان مجری برنامه نویسی شد (Mokhbar Dezfuli, 2011: 38). درواقع حضور اندیشه های عناصر روشنفکر در کنار طبقه حاکم، جامعه را بر پایه دگرگون سازی اندیشه سنتی به تفکر مدرن پیش برد؛ به گونه ای که در حوزه زنان، آن ها توانستند با طرح کشف حجاب (Sadeghi, 2005: 60) تا حدودی از قیود اجتماعی بانوان بکاهند (Nikki, 1990: 153) تا زنان به طور گسترده به مدارس جدید و آموزش های دانشگاهی برابر با مردان پردازند (Hambly, 1996: 44).

گسترش تحصیلات، شکل‌گیری گفتمان‌های زنان روشنفکر (صدیقه دولت‌آبادی، نوابه صفوی، شهرزاد آزاد و...) را در پی داشت (Nikkhah Qamsari, 2005: 22-23)؛ گفتمان‌هایی که هرچند از حمایت حاکمیت و مساعدت تجددخواهان برخوردار بود، اما با موانعی مانند گزاره‌های ضد زن در گفتمان سنت (Zakaei, Aminpour, & Akbari, 2020: 106)، ناسازواری عرف و ذهنیت حاکم بر جامعه (Rahnamaye Zendegi, No. 2, 1941: 5)، افراط‌گرایی در مقوله تجدد و آزادی زنان (Zabane Zanan, No. 1, 1942: 10) و قشری‌گری مذهبی‌ها و حاکمیت سیاسی درمورد زنان (Sanasarian, 2005: 110-111) روبه‌رو بود که مقوله «امتناع حضور اجتماعی زنان» را مطرح می‌ساخت که نتیجه آن در جامعه، گذار از سنت به مدرنیت روح غالب بر اندیشه اکثریت مردم «قبح حضور زنان» در جامعه بود (Kar, 1997: 9).

۴-۲-۲. تحلیل گفتمان‌های دوره پهلوی اول

جدول ۶. گفتمان‌های مفهوم‌سازی شده در دوره پهلوی اول

عرصه تاریخی	تعداد مصادیق	خرده گفتارها (مفهوم‌پردازی)	گفتمان (مفهوم‌سازی)
پهلوی اول (حکومت رضاشاه) ش ۱۳۰۰-۱۳۲۰	۹	۱۲	گفتمان حاکمیت/نوسازی دستوری
	۶	۵	گفتمان زنان / مادری جدید
	۱۶	۱۱	گفتمان زنان / خودآگاهی وجودی-حقوقی
	۸	۷	گفتمان زنان / تعالی ملی

۴-۲-۲-۱. مرحله اول: توصیف نظام معنایی گفتمان

با توجه به داده‌های گردآوری شده (جدول‌های ۲ تا ۵)، گفتمان نوسازی دستوری به‌عنوان گفتمان مسلط بر جامعه، گفتمان قدرتی است که برای نخستین بار نظام سیاسی حاکم، با ابزارهای گسترده نظم و سلطه، توانست جامعه زنان را اداره کند. درواقع قدرت حاکمیت توانسته بود برنامه نوسازی اجتماعی خود را به‌عنوان دال مرکزی در قبال زنان ایجاد کند. همچنین توانسته بود در توجیه هژمون بودن خود، دال‌های شناور دولت ملی مدرن، غیرعقلانی بودن قبح حضور در اجتماع، تأکید بر حیات عمومی، آموزش زن به مدل غربی، آگاهی‌بخشی و تغییر در شیوه زندگی، تأمین مصالح عمومی، خانواده جدید، معاشرت به سبک غربی، پرهیز از جامعه سنتی، آشنایی با مسئولیت‌های اجتماعی، تکامل دختران ایرانی و تخصص‌پروری برای فرزندپروری در اطراف دال مرکزی (نوسازی)

شکل داده، در مفصل‌بندی وقته‌ها با وفاداری به سلسله‌مراتب جنسیتی، نقش زنان و مردان را تحت تأثیر ایده‌مادری و ارزشمندی خانواده جدید تغییر دهد (Ettelaat Newspaper, No. 3775, 1938: 10). درواقع در خانواده جدید، زن بی‌سواد سنتی، نه می‌تواند مادر خوبی برای فرزندان خود باشد و نه می‌تواند موفق به تأمین نیازهای مرد جدید تحصیل کرده و تعالی او شود. از این‌رو به‌موازات تغییر در وضعیت مردان، تغییر نقش زن در خانواده امری ضرورت یافت و آموزش زنان اساس خانواده جدید ایرانی تعریف شد (Ettelaat Newspaper, No. 3679, 1938: 5)؛ بنابراین زنان بنا به ضرورت تعلیم و تربیت خود، گفتمان‌هایی با دال مرکزی و دال‌های شناور متفاوت شکل دادند (جدول ۷).

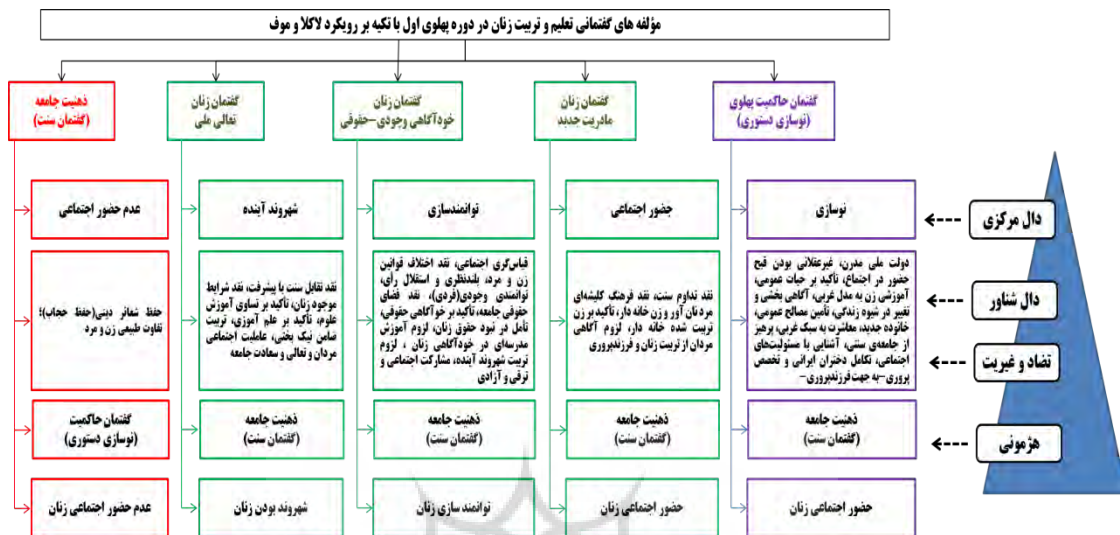
جدول ۷. دال مرکزی، دال‌های شناور و وقته‌های گفتمان‌های زنان

گفتمان	دال مرکزی	دال‌های شناور	وقته‌ها
مادری جدید	حضور اجتماعی	نقد تداوم سنت، نقد فرهنگ کلیشه‌ای مرد نان‌آور و زن خانه‌دار، تأکید بر زن تربیت‌شده خانه‌دار، لزوم آگاهی مردان از تربیت زنان و فرزندپروری	طرح خطاهای مادرانی که به‌واسطه بی‌سوادی از پرورش صحیح فرزندان‌شان بازمانده‌اند، به‌عنوان مهم‌ترین علل ویرانی ایران (Nasva Vatankhah, No. 11, 1926: 21-22) و نقد دختران ایرانی‌ای که به‌علت نداشتن سواد و آگاهی به وظایف مادری خود آشنا نیستند، به ضرورت داشتن آینده‌آباد برای مردان (Nesvan Vatankhah, No. 10, 1925: 13)، تحصیلات عالیه و آموزش‌های نوین زنان را در برابر اذهان پاسداران سنت عقلانی کردند.
خودآگاهی وجودی-حقوقی	توانمندسازی	قیاس‌گری اجتماعی، نقد اختلاف قوانین زن و مرد، بلندنظری و استقلال رأی، توانمندی وجودی (فردی)، نقد فضای حقوقی جامعه، تأکید بر خودآگاهی حقوقی، تأمل در نبود حقوق زنان، لزوم آموزش مدرسه‌ای در خودآگاهی زن، لزوم تربیت شهروند آینده، مشارکت اجتماعی و ترقی و آزادی	با ۱. تأکید بر فعالیت‌های متنوع زنان در سایر کشورها (Alam-Nesvan, No. 2, 1922: 5)؛ ۲. کسب شایستگی و لیاقت زنان در امر تحصیل و نقد اختصاصی بودن امر تعلیم به مردان (Ettelaat Newspaper, No. 523, 1928: 2) و ۳. اقناع دولت بر افزایش مدارس دخترانه و تحصیلات دانشگاهی (Alam-Nesvan, No. 1, 1926: 58)، ذهنیت جامعه به‌سمت فواید علم و آگاهی زنان سوق داده شد.
تعالی ملی	شهروند آینده	نقد تقابل سنت با پیشرفت، نقد شرایط موجود زنان، تأکید بر تساوی آموزش علوم، تأکید بر علم‌آموزی، تربیت ضامن نیک‌بختی، عاملیت اجتماعی مردان و تعالی و سعادت جامعه	در برابر موضع سنت‌گرایی حاکم که بر حق تعلیم زنان می‌تاختند، این موضوع مطرح شد که «اگر به حال زنان رحم نمی‌شود، به اعقاب ایرانی باید رحم کرد» (Nesvan Vatankhah, No. 7, 8, 1924: 39). اعقابی که زاینده زنان تحقیرشده‌ای هستند که باید نام ایران را بلندآوازه کنند؛ بنابراین راه ترقی و آزادی زنان که از طریق تعلیم آنان است، نباید گرفت (Nesvan Vatankhah, No 2, 1923:5).

۴-۲-۲. مرحله دوم: بررسی نظریه اجتماع گفتمانی

گام اول، شناسایی فضای تخصص و فرایند غیریت‌سازی میان گفتمان‌ها: فضای اجتماعی در دوره پهلوی اول، میدان رویارویی بین گفتمان سنت و گفتمان نظام حاکمیت (نوسازی دستوری) است.

گفتمان پهلوی به عنوان نقطه عطف تغییر گفتمان سنت به تجدد، در شعارهایی مانند طرفداری از آزادی زنان، حرکت به سوی ترقی، برابری و... زنان را سوژه گفتمانی خود قرار داد (Kothari & Tafarshi, 2016: 170)، دال‌های شناور را در برنامه نوسازی خود پروراند، موفق به واسازی جایگاه اجتماعی زنان شد که با مذهب به لحاظ ریشه دار بودن در گفتمان سنتی جامعه عجین شده بود. البته این واسازی به دلیل حاکمیت بینش مردسالارانه پهلوی اول، در بعد وسیع اتفاق نیفتاد. وضعیت زنان در فرم ظاهری آن یعنی پوشش غربی تغییر یافت و قانون کشف حجاب به عنوان بروز جنبش آزادی و نمودی از امروزی‌بودن و عمل نوسازانه شرافتمندانه ضد سنت شد (Kosthary & Tafarshi, 2017: 157) که عامل عقب ماندگی زنان ایرانی تلقی شده بود. به موازات این عمل نوگرایانه، نظام حاکم سیاست سرکوب و مرعوب کردن گفتمان سنت که طرح‌های تجددگرایی یا روش اجرای آن‌ها را به چالش می کشید، در پیش گرفت. سانسور شدید مطبوعات، محدودیت آزادی افکار و ممنوع کردن فعالیت کلیه نهادهای اجتماعی غیردولتی، از اقداماتی بود که در راستای پیشبرد این هدف صورت پذیرفت (Mugheishi, 2018: 49). در این فضا طیفی از زنان که سال‌ها افکار سنتی، دست و پای آنان را برای حضور در جامعه بسته بود، فرصت را غنیمت یافتند و در بستر ضدیت گفتمان حاکم با جامعه سنتی، گفتمان‌پردازی کردند و توانستند دال گفتمانی خود را با کشف حجاب پیوند بزنند. همچنین دال‌های شناور خود را هر چند در پشتیبانی از اصلاحات گفتمان حاکمیت بود، مفصل بندی کنند و با گفتمان حاکمیت در موضع «خودی» و با گفتمان سنت در موضع «غیر» قرار بگیرند (شکل ۲). در این موضع، طیف همسو با نظام حاکم زنان توانستند به قلمروهای آموزشی برابر با مردان و کسب مشاغل دولتی وارد شوند. در مقابل، برخلاف گفتمان حاکم و گفتمان‌های زنان که خود را مدافع آزادی و حقوق زنان می دانستند، طیفی از زنان سنتی پایبند به حجاب بودند که به ناچار در خانه‌ها محبوس ماندند (Foran, 2017: 361).



شکل ۲. فضای تخاصم و فرایند غیریت‌سازی میان گفتمان‌ها در دوره پهلوی اول

گام دوم، شناسایی تاریخ (زمان و مکان) گفتمان‌ها: تاریخ شروع طرح گفتمان آموزشی زنان در این دوره را می‌بایست با نظر به سیاست‌گذاری‌های گفتمان «نوسازی دستوری» جریان تجدیدگرا لحاظ کرد؛ چرا که عاملان جریان تجدید درخصوص فواید اصلاح وضعیت زنان، به‌ویژه آموزش آنان، استدلال می‌کردند که تحصیلات زنان سبب رشد زنان می‌شود و رشد زنان به‌نوبه خود به اصلاح مردان می‌انجامد؛ تحصیل و کسب علم زنان زمینه تربیت علمی نسل آینده را فراهم می‌سازد و درنهایت آموزش زنان موجب پیشرفت و تعالی کشور می‌شود (Golban & Mousavirad, 2009). با این دست استدلال‌ها جامعه زنان کنشگرا درخصوص تغییر وضعیت خود، سیاست‌گذاری مطرح را می‌پذیرند؛ چرا که منویات گفتمان نوسازی، هویتی جدید را برای آنان نوید می‌داد؛ اینکه زنان اهرمی برای ترقی کشور هستند.

گفتمان حاکم برای شکل‌دهی به این هویت، نخست زنان را به‌عنوان شهروند تعریف کرد و سپس با ایجاد بسترهای لازم، زمینه حضور آنان در اجتماع را فراهم آورد تا بتوانند به پیشبرد اهداف پروژه نوسازی کمک کنند. با توجه به اتخاذ این رویه، زنان تابع حاکمیت شدند که توانسته بود با قدرت سیاسی، به آنان هویت ببخشد. به همین منظور اولین گام مبتنی بر تنظیم قوانین مربوط به ثبت‌احوال در سال ۱۳۰۴ که به زنان نیز مانند مردان هویت مستقل ثبت‌شده می‌داد، برداشته شد و هم‌زمان با آن، اصلاحات آموزشی یعنی افزایش تعداد مدارس دولتی، تأسیس دانشگاه و راه‌یابی زنان

به آموزش عالی (Paidar, 2000: 196-198) نیز سرآغازی شد که زنان اصلاحات آموزشی مدنظر حاکمیت را بپذیرند و بتوانند در فضای ایجادشده به توسعه گفتمانی پیرامون شرایط فرودست خود بپردازند؛ هرچند که سیاست‌های دستوری اعمال شده از جمله کشف حجاب اجباری و محدود کردن آزادی زنان به این مقوله، اساساً برای زنان بحث انتخاب در نقش را به همراه نداشت. آنچه نادیده گرفته شده بود، انتخاب زن ایرانی در شیوه زندگی و نحوه پوشش خود او بود. گفتمان‌های «مادری جدید»، «خودآگاهی وجودی-حقوقی» و «تعالی ملی» که توسط گروه‌های زنان مطرح شده بود، با تسلط بحث حجاب عملاً به سوژه‌های گفتمانی گفتمان «نوسازی دستوری» مبدل شدند و زن از سوژه تابع مردان (در گذشته) به سوژه تابع دولت تبدیل شد.

۴-۲-۳. مرحله سوم: منازعات معنایی و دستیابی به تحولات اجتماعی

در بررسی نظام معنایی گفتمان‌ها، با مشخص شدن دال مرکزی، دال‌های شناور و... گفتمان‌های شناسایی شده، می‌توان گفت «نوسازی دستوری» و گفتمان‌های زنان، به نقد کشیدن شرایط حاکم بر ذهنیت سنتی جامعه، در باب طبیعت زنان را هدف گفتمانی خود قرار دادند؛ چرا که طبیعت زنان، عامل بسیاری از تفاسیر در ساختار سنتی جامعه بود که تلاش می‌کرد با تفاوت قائل شدن بین طبیعت مردانه و زنانه به دلیل ماهوی، طبیعت مردانه را بر طبیعت زنانه برتری دهد (Golban & Mousavi, 2009: 315). این موضوع موجب شد که زنان مطالبات آموزشی خود را در چارچوب مفهوم نوسازی گفتمان حاکم، با خلق گفتمان‌هایی مانند «مادری جدید»، «خودآگاهی وجودی-حقوقی» و «تعالی ملی» در زمره منادیان حق آموزش‌های نوین برای جامعه زنان قرار گیرند. حقی که تقریباً در سرتاسر دوره پهلوی توسط ذهنیت جامعه سنتی متأثر از روحانیت که با سیاست گفتمان حاکمیت در جهت کاهش میدان عمل آن‌ها بود، پشتیبانی می‌شد (Ladieh, 2003: 312)، برای زنان مانع به حساب می‌آمد. از این رو فعالان زن، با هضم مفاهیم مندرج در گفتمان حاکمیت از جمله غیرعقلانی بودن قبح حضور در اجتماع، تأکید بر حیات عمومی و... بر توسعه آموزش زنان تأکید کردند. آن‌ها در موضع «غیر» و تضاد با کسانی «که اساساً تعلیم دختران را لازم نمی‌دیدند» (Ettelaat Newspaper, No. 2033, 1923: 1)، از امکانات سازمان‌ها و نشریات استفاده کردند و با تبیین محاسن تحصیلات برای زنان موفق شدند طیفی از دختران را روانه «مدارس و دانشگاه‌ها» کنند و راه پیشرفت را از هر جهت بر آنان هموار سازند (Ettelaat Newspaper, No. 77, 1937: 1).

۴-۲-۲-۴. مرحله چهارم: ارتباط متن، معنا و کردارهای اجتماعی زبانی و غیرزبانی (طرد، برجسته‌سازی و غیریت‌سازی)

یک گفتمان با تولید معنا و به‌کارگیری روش‌ها و ابزار انضباطی-انقیادی در طرد یا حذف گفتمان رقیب می‌تواند بر ذهن و فکر سوژه‌ها اثر بگذارد، با تولید نشانه‌هایی به‌عنوان مدلول به دال مرکزی بچسبد، آن را هژمونیک کند و هم‌زمان، با ساختارشکنی، مدلول‌های گفتمان رقیب را از دالش جدا کند و هژمونی بودنش را بشکند (Moghadami, 2018: 133). می‌توان گفت نشانه‌های معنایی که در گفتمان حاکمیت «نوسازی» برجسته شده، تغییر در جایگاه زن را به دنبال داشته است، شامل:

۱. تشویق به حضور زنان در جامعه، از طریق بازتاب مطالبات آنان در مجلات؛
 ۲. فعالیت در نهاد دولتی کانون بانوان ایران، به‌منزلهٔ مشخصهٔ بارز مدرن‌شدن؛
 ۳. تأسیس دانشگاه و مراکز تربیت‌معلم و تسهیل دسترسی زنان به این مراکز؛
 ۴. تغییر در نقش زنان با اجرایی‌شدن کشف حجاب (Paidar, 1997).
- در پرتو محورهای بالا، گفتمان‌های زنان نیز جهت‌دار شد. بدین ترتیب که نشانه‌های معنایی گفتمان‌های زنان معطوف به منویات گفتمان حاکم یعنی قانون کشف حجاب شد که این خود به سامان‌دهی اجتماعی زنان به شیوه‌ای گزینشی و اجباری انجامید. درواقع همسوی بودن گفتمان‌های زنان با گفتمان حاکمیت موجب شد آنچه اتفاق بیفتند، احیای پدرسالاری سنتی در قالبی نو باشد که تغییرات اجتماعی زنان را به خدمت تجدید روابط پدرسالارانه به شکل جدیدی درآورد (Shrabi, 2016: 27). ابزارهای جدید برای کنترل اجتماعی زنان در اختیار حاکمیت و سنت‌گراها در برجسته‌سازی «خود» و طرد «دیگری» داد که نمود آن را می‌توان در کردارهای غیرزبانی یعنی اعمال اجباری کشف حجاب، به‌منظور حضور زنان در عرصهٔ اجتماع و حبس و زندانی‌شدن زنان سنتی در ممانعت از کشف حجاب شد. به تعییری فضای تقابل سنت و نوسازی که به درون گفتمان‌های زنان راه پیدا کرده بود، موجب شد زنان یک پای خود را در سنت و پای دیگر را در تجدد داشته باشند.

۵. نتیجه‌گیری

این مقاله در پاسخ به این پرسش که: «در دورهٔ پهلوی اول، چه گفتمان‌هایی در حوزهٔ تعلیم و تربیت زنان -قابلیت شناسایی و تحلیل- وجود دارند؟»، در گام اول با بررسی ۱۴ سند، (الف) ۳۹ واحد معنایی (مصدق) انتخاب؛ (ب) ۳۵ خرده‌گفتار و (ج) ۴ گفتمان شناسایی شد. در گام دوم مطابق روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف نتایج زیر حاصل شد:

۱. گفتمان حاکمیت و گفتمان‌های زنان بر پایه دال مرکزی، دال‌های شناور و ایجاد وقته‌های مستقل (رجوع به جدول ۷)، اما همسو در ایجاد تمایز، مشروعیت‌زدایی و به‌حاشیه‌راندن ذهنیت سنتی به‌منظور مشروعیت‌دهی به خود بوده‌اند.

۲. گفتمان حاکمیت در تضاد و غیریت با گفتمان سنت، موضوع آموزش زنان را به قانون کشف حجاب گره زد. لذا مدافعان سنت جهت حفظ هژمونی (عدم حضور اجتماعی زنان) و برجسته نگه‌داشتن دال‌های خود، به مقاومت نهادی در برابر این قانون روی آوردند. به‌نحوی که در برابر حضور زنان با پوششی غیرشرعی در محیط‌های آموزشی، با اعتراض، تظاهرات و خانه‌نشین کردن زنان (Maleki, 1995: 262-264) تلاش کردند نظام معنایی آموزش برای دختران را که منوط به حضور بدون حجاب در محیط آموزشی بود را به حاشیه بکشانند. در مقابل، گفتمان حاکمیت، از طریق مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی از جمله برگزاری جشن‌های متنوع بدون حجاب (Khatibi, 2003: 92)، حضور در محیط آموزشی و عمومی بدون حجاب (Ahmed Khorasani, 2013: 69)، اولاً که فضای بازی را برای حضور اجتماعی زنان فراهم کرد و ثانیاً اینکه زنان تجددخواه، در راستای حق شهروندی خود از قدرت نمادین گفتمان حاکم بهره برده، گفتمان‌هایی را پرورانیده، در تضاد (غریب) با ذهنیت سنتی «عدم لزوم حضور زنان در جامعه» قرار گرفتند.

۳. هژمون «حضور اجتماعی زنان» در گفتمان‌های زنان و گفتمان حاکمیت از طریق کردارهای زبانی چون تشکیل مجالس خطابه، انتشار مقالات مستمر در روزنامه‌ها، ترویج بی‌حجابی از راه‌های فرهنگی، هنری (Ismaili, 2007: 175) و کردارهای غیرزبانی چون رونق بخشیدن به نشریات، تشکل کانون بانوان، اداره مدارس به‌صورت مختلط توسط زنان، ایجاد محدودیت‌های آموزشی برای زنان محجبه و... (IRCDO^۱, 1992: 18) باعث شد در ذهنیت افراد جامعه سنتی این تصور نقش بندد که چون زنان ایرانی شدیداً خواستار ایجاد مدارس و افزایش سطح معلومات خود هستند؛ پس هرگونه دگرگونی در وضعیت زن ایرانی لامحاله از رهگذر نظام آموزشی عملی خواهد بود. پس در برخورد با حضور اجتماعی زنان بدون حجاب، ناچار اقدام به نگارش نامه‌های اعتراض گونه (IRCDO, 1992: 25-43)، قیام و خانه‌نشین کردن زنان (Khatibi, 2003: 235) روی آوردند. از این طریق گفتمان سنت علیه گفتمان حاکم و گفتمان‌های زنان، به گفتمان مقاومت بدل شد و هژمون «عدم ضرورت حضور اجتماعی زنان» را در مقابل هژمون «ضرورت حضور اجتماعی زنان» ایجاد کرد. نتیجه آن ایجاد فضای قهرآلودی شد که در آن، زنانی با رغبت تن به کشف حجاب دادند

و زنانی نیز معتقد و پایبند به ارزش‌های سنتی، حضور اجتماعی خود را مترادف با بی‌هویتی و حفظ هویت خود را ملازم با عدم حضور اجتماعی دانستند.

۶. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Ahmadi Khorasani, N. (2013). *Hijab and intellectuals*. Bija: Author. (Electronic version).
- Alam-Nesvan. No. 5:1921, No.2: 1922, No.1,2,3,6:1926 & No.4,6,7,8,11: 1927. (In Persian)
- Ashna, H. (1995). *From politics to culture: government cultural policies in Iran (1925-1941)*. Tehran: Soroush. (In Persian)
- Avari, P. (2009). *History of Iran during the Pahlavi period (from Reza Shah to the Islamic Revolution)*. Translated by: M. Saqib Far. Tehran: Jami.
- Ayandeh Magazine (1927). No. 1. (In Persian)
- Ettelaat Newspaper, No.523: 1928, No.2033: 1933, No.2628, 271: 1935, No.77: 1937, No.1/3465,3679, 3728, 3775: 1938, No.4362: 1940. (In Persian)
- Foran, J. (2017). *Fragile resistance, the history of Iran's social transformations from the Safavid era to the years after the Islamic revolution*. Translated by: A. Tadayyon. Tehran: Rasa Cultural Services Institute. (In Persian)
- Golban, M., & Afsari-Rad, M. (2009). *Fahrit magazine Aindeh*. Tehran: Mahmoud Afshar. (In Persian)
- Hambly, G. (1996). *Pahlavi Autocracy: Reza Shah (Pahlavi dynasty and religious forces according to Cambridge History)*. Translated by: A. Mokhber. Tehran: Tarh-e Now. (In Persian)
- <https://ketabnak.com/reader/126868> (In Persian)
- Iranshahr Magazine. Year 1, No. 12: 1923, (1924). Year 2, No. 11, 12: 1924, Year 3, No. 6,9: 1925. (In Persian)
- Islamic Revolution Cultural Documents Organization. (1992). *Kashf-Hijab event*. Tehran: Organization of scientific documents. (In Persian)

- Ismaili, H. (2007). Religion and politics in contemporary political thought. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Kar, M. (1997). *Iranian Women's Political Rights*. Tehran: Roshangan and Women's Studies. (n Persian)
- Keshavarznia, A. (2015). Researching the thought of nationalism in the first Pahlavi period(1925-1941), the second international conference on modern approaches in humanities. Iran: Tehran. (In Persian)
- Khatibi, H. (2003). *Free suffering (political, cultural and social memoirs of Dr. Hossein Khatibi)*. Tehran: Nogol. (In Persian)
- Kothari, M., & Tafreshi, A. A. (2016). Female identity in Pahlavi II discourse, a case study of Zan Rooz magazine and Mohammad Reza Shah's lectures about women. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 1(10), 145-175. <https://ensani.ir/fa/article/370809> (In Persian)
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2014). *Hegemony and socialist strategy, Towards a radical democratic politics* (Vol. 8). Verso Books.
- Ladieh, M. F. (2003). *Population and politics in Iran from the constitutional monarchy to the Islamic Republic*. France: National Institute of Demographic Studies of France.
- Maleki, H. (1995). *Twenty-year history of Iran*. Tehran: Scientific Publications. (In Persian)
- Moghadami, M. T. (2018). Lacla and Mouffe's theory of discourse analysis and its criticism. *Cultural and Social Knowledge*, 2(2), 124-91. <https://ensani.ir/fa/article/306441> (In Persian)
- Mokhbar Dzfouli, A. (2011). *Pahlavi dynasty and religious forces according to Cambridge History*. Tehran: Tarh-e Now. (In Persian)
- Mugheishi, H. (2018). *Women and the Revolution 2017 Experience of National Women's Union*. Tehran: Zagros.
- Neswan Vatankehah, No.7, 8: 1924, No.11: 1305. (In Persian)
- Niki, R. K. (1990). *The Roots of the Iranian Revolution*. Translated by: A. R. Tashet. Tehran: Qalam. (In Persian)
- Nikkhah Qamsari, N. (2005). *The evolution of the attitude towards women and its effect in the Islamic revolution*. Tehran: Research School of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. (In Persian)

- Paidar, P. (1997). *Women and the political process in twentieth century*. London: Cambridge university press.
- Paidar, P. (2000). *Women in the political process of Iran in the 20th century*. Translated by: Sh. Zarandar. Tehran: Iranian Society. (In Persian)
- Peyke Saadat-Nesvan, No. 1: 1927. (In Persian)
- Rahnamaye Zendegi, No. 2: 1941. (In Persian)
- Sadeghi, F. (2005). *Gender, nationalism and modernity in Iran (first Pahlavi period)*. Tehran: Qaseidesera. (In Persian)
- Sanasarian, E. (2005). Women's rights movement in Iran. Translated by: N. Ahmadi Khorasani. Tehran: Akhtran. (In Persian)
- Shafaq Sarkh Newspaper, No. 1176, 1304: 1929. (In Persian)
- Shrabi, H. (2016). New patriarchy. Translated by: S. A. Mottaghi. Tehran: Kavir. (In Persian)
- Soltani, S. A. A. (2016). *Power, Discourse, Language: Mechanisms of Power Flow in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Stephanie, K. (2013). *Reza Shah and the Formation of Modern Iran*. Translated by: M. Saqibfar. Tehran: Jami. (In Persian)
- Torring, J. (1999). *New theories of discourse: Laclau, Mouffe, Zizek*. Oxford: Blackwell.
- Zabane Zanan, No. 2: 1923, No. 10: 1925, No. 1: 1942. (In Persian)
- Zakai, M. S., Aminpour, M., & Akbari, A. (2019). Paleontology on the construction of femininity in Iran from the constitutional era to the end of the first Pahlavi. *Iranian Journal of Sociology*, 20(4), 115-86. http://www.jsi-isa.ir/article_47871.html?lang=en (In Persian)